

**گفتار بیست و چهارم:**

**در سراسیمه**



## فصل اول:

### آخرین چرخش‌ها و دگر‌دسی‌ها

#### □ تلاش برای تثبیت الگوی «رهبری - ریاست جمهوری»

در یک چرخش غیرمنتظره و عجیب، از اوایل سال ۷۲، سازمان و شورای ملی مقاومت و به عبارت دقیق‌تر مسعود رجوی و همسرش، نمادهای سوسیالیستی و شبه مارکسیستی همچون داس و سندان (به جای چکش) و شعارها و فریادهای صرفاً ایدئولوژیک را به کناری نهادند و نمادهای ملی و وطنی - آن هم از نوع شبه سلطنتی آن - را مطرح ساختند. یکی دو ماه بعد از این چرخش، مریم رجوی به عنوان رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت، اعلام و از عراق به فرانسه اعزام شد. این دگرگونی پاسخی دیگر به بحران‌های مکرر در داخل تشکیلات بود و از قضا وجود اختلاف ارزشی و بنیادین میان این دگرگونی با آنچه در گذشته عنوان می‌شد، نشانگر این واقعیت بود که بحران مبتلابه سازمان فوق‌العاده حاد و ریشه‌ای بوده است. مراحل این چرخش - فهرست‌وار - بدین قرار است:

(۱) طرح و تأکید روی «پرچم سه رنگ» ایران همراه با «شیر و خورشید» با توجیه فراگیر شدن وحدت

مبارزاتی حتی میان اپوزیسیون سلطنت‌طلب؛

(۲) پخش مکرر و رسمیت بخشیدن به سرود «ای ایران» باز در جهت نشان دادن عرق ملی و ایران

دوستی، به جای انترناسیونالیسم نهفته در ایدئولوژی مجاهدین خلق؛

(۳) برگزاری کنسرت‌های موسیقی توسط خوانندگان معروف زمان شاه، به منظور زدودن انتساب

دگماتیسیم و سختگیری مذهبی از ساحت مجاهدین خلق؛

۴) و مهم‌تر از همه، «انتخاب» و «اعلام» ریاست جمهوری همسر رجوی، در جهت اثبات نقش مهم زن در سازمان و نیز جمهوری خواه بودن تشکیلات تحت فرماندهی ایشان.

تقارن برخی از اتفاقات و رویدادها با اعلام ریاست جمهوری مریم رجوی، از نکاتی است که نباید پوشیده بماند. در زمانی که خانم چیلر اولین نخست‌وزیر زن در ترکیه به حکومت رسید، بی‌ظنیر بوتو نیز نخست‌وزیر پاکستان بود. با توجه به جو جهانی گرایش زنان - و حتی مردان - به فمینیسم و طرح مشکلات قضایی زنان ایران در مجامع مختلف داخلی و خارجی، نشریه‌ای ایرانی و فارسی زبان موسوم به «عصر امروز» متعلق به سلطنت‌طلبان، فرح پهلوی همسر محمدرضا پهلوی را برای رهبری مبارزات علیه جمهوری اسلامی برگزید و اعلام نمود که این گزینه یک «انتخاب برتر» است. دو هفته پس از این اتفاق رسانه سازمان مجاهدین خلق، مریم رجوی را - دقیقاً با همان عنوان «انتخاب برتر» - به عنوان رئیس جمهور ایران برگزید! شاید نخستین بار بود که فردی، بدون آنکه انتخاباتی - حتی در میان یک جمع محدود - در کار باشد، رئیس جمهور «انتخاباتی» خوانده می‌شد.

نکته‌ای که توجه بسیاری را به خود جلب می‌کرد، الگوی حکومتی مجاهدین خلق بود که همواره به نظام جمهوری اسلامی نگریسته و آن را سرمشق وارونه قرار داده‌اند. ماجراهای بهار ۱۳۶۴ و انقلاب ایدئولوژیک، تمرینی بود برای جا انداختن رجوی به مثابه یک رهبر مقدس و فرهی. رجوی و سازمان متبوع وی بر این گمان بودند که چنانچه نوع رهبری امام(ره) را تقلید کنند، هواداران و اعضا بیش از گذشته مطیع و منقاد خواهند بود، از این رو پله به پله رجوی را بالا بردند. در ماجرای اعلام ریاست جمهوری «انتخابی» مریم رجوی نیز الگوی جمهوری اسلامی مدنظر بوده است: ترکیب حاکمیت از «رهبر» و «رئیس جمهور». یکی از فعالان چپ‌گرای اپوزیسیون خارج از کشور، با توجه به پارادوکس حضور این دو عنصر در یک جریان ضدجمهوری اسلامی نوشت:

مجاهدین مدعی حکومت‌اند و این خواسته برای آنها بسیار جدی است. باید این سؤال را نیز برای آنان جدی کرد که آنان چه حکومتی را برای ایران طلب می‌کنند... مسعود رجوی [در این میان] کیست؟

«واقعیت این است که مسعود گنجینه عظیم، گوهر گران بها، دریای ژرف، کوه سر به فلک کشیده، آسمان لایتناهی و آتشفشان خاموشی است که شما تاکنون فقط بخش بسیار ناچیز و جزئی از آن را که در حیطه نظرتان بوده دیده‌اید و قسمت اعظم آن ناپیدا است.»

توصیف فوق‌پاسخ خانم مریم رجوی، همسر مسعود رجوی و رئیس جمهور منتخب مجاهدین به سؤال ماست که در آستانه انتقال به فرانسه اعلام کرده است. ...

با تغییر و تحولاتی که مجاهدین اخیراً پشت سر گذاشته‌اند، ظاهراً اکنون تکلیف تمام ساختار حکومتی مورد نظر این سازمان، از رئیس جمهور گرفته تا هیئت دولت و کابینه و مجلس و کمیسیون روشن شده است و فقط متأسفانه هنوز روشن نیست که جایگاه حقوقی و قانونی رهبر اصلی آن، در این ساختار کجاست؟!

در سازمان مجاهدین از پی انقلاب ایدئولوژیک، وحدت مسعود و مریم اعلام شد و ارائه آرایش تازه در بافت و ساختار نظام حکومتی در دستور قرار گرفت و در فرجام کار، با شور و شوق بسیار، همان فرمول «رهبری - ریاست جمهوری» با تبریک به ملت ایران اعلام شد. ...

ایا توجه به گفته مریم رجوی [وقتی از خود مجاهدین خواسته می‌شود که رابطه دو سر محور «رهبری - ریاست جمهوری» را رابطه کوه و کاه تصور کنند، تکلیف ما ملت ایران از قبل ... نیک روشن است: ... به ما حق خواهند داد که گاهی را به ریاست جمهوری برگزینیم که سجده‌گر کوهی سر به فلک کشیده است! کوهی که حق انتخاب وی، حتی تکان دادن وی از جایگاهی که برگزیده است، از مردم ایران سلب شده است! ...

اگر مسعود رجوی رهبری رامی خواهد، اما نه به رأی مردم، پس جمهوری خواه نیست. اگر او رهبری رامی خواهد، اما به رأی مردم، پس چرا از ریاست جمهوری و نخست‌وزیری کناره می‌گیرد و اگر اصلاً ترک رهبری کرده است، پس این شعار «رجوی ایران» دیگر به چه معناست؟! <sup>۱</sup>

## □ رفت و برگشت مریم رجوی

### ○ بازی‌های رهایی از بحران

... علاقه مجاهدین به قدرت دولتی، زمینی نیست؛ یک شیفتگی نیمه مذهبی - نیمه کودکانه است. ...

قدرت دولتی برای مجاهد یک رؤیای مجذوب‌کننده است. کلمات رئیس جمهور، رهبر، نخست‌وزیر، کابینه، وزیر، فرمانده و امثالهم، طنین عجیبی در میان اینها دارد و درست مانند کودکانی که عروسک‌هایشان را گردمی‌چینند و رؤیاهایشان را بازی می‌کنند. اینها هم غالباً مشغول «دولت بازی» هستند: «حالا من رئیس جمهور»، «حالا تو نخست‌وزیر». پایان این بازی

۱. فرخ نگهدار، دمکراسی برای ایران: صص ۶۶-۱۶۳؛ با تلخیص.

معلوم نیست. این دور اخیر، که قرار شده در آن «حالا مریم رئیس جمهور» شود و با تعدادی از عروسک‌ها - در شکل هنرمند و شاعر و نویسنده و ورزشکار - در اروپا مهمان بازی کند. قطعاً بازی آخر نیست. باسجده‌ای که اینها برنام فامیل خود می‌کنند، آخر این ماجرا - چه در تهران و چه در واحه‌ای در جنوب عربستان - به احتمال قوی، اعلام سلطنت و برگزاری خصوصی مراسم تاجگذاری خواهد بود.<sup>۱</sup>

در هفتم شهریور ماه ۱۳۷۲ ناگهان اعلام شد که شورای ملی مقاومت، طی اجلاسی که در عراق برگزار شد، مریم رجوی را به عنوان «رئیس جمهور» برگزیده است. اندکی بعد اعلام گردید که در همان اجلاس، تعداد اعضای شورا از ۱۰۹ نفر به ۲۳۵ نفر، افزایش پیدا کرد. فهرست اسامی جدید نشان می‌داد که رجوی اعضای سازمان را عضو شورا کرده است! در اواخر سال ۱۹۹۳/پاییز ۱۳۷۲ مسعود رجوی از یک «انتخاب تاریخی» و از یک پرواز توسط «سیمرغ رهایی» سخن راند. وی تصریح کرد که:

... شورا گسترش یافته و کمیسیون‌های آن، که پایه‌ریزی بنای دولت شورایی و ائتلافی آینده است، به ۱۸ کمیسیون رسیده؛ رئیس جمهور و آرم رسمی نیز معین شده و با قطعیت و یقین می‌توان گفت که آلترناتیو سیاسی ما به اوج بلوغ و کمال خود رسیده است! هیچ تنگه‌ای، هیچ کوه و دشت و دریایی - ولو به هفت دریای دیگر خون نیاز باشد - نبایستی مانع رسیدن «سیمرغ» به مقصدش گردد!

[...] در سی مهر، پرواز [سیمرغ رهایی] مردم ایران بر همه شما مبارک باد.<sup>۲</sup>

مریم رجوی نیز در پیام تودیع خود تأکید کرد که عزیمت وی به فرانسه، بنا به خواسته شورای ملی مقاومت و مسئول شورا و شورای رهبری مجاهدین خلق، در چارچوب «مأموریت به خاطر آزادی و حاکمیت ملی و مردمی و در راستای آزادی خلق و میهن»<sup>۳</sup> انجام می‌گیرد.

پیش از آن خود تصریح کرده بود:

ما پیوسته سعی داشته‌ایم قبل از اینکه چیزی را اعلام کنیم و یا به مردمان ارائه بدهیم، یک دوره تست و آزمایش در درون خودمان داشته باشیم تا پایه‌های آن محکم و استوار شود.<sup>۴</sup>

واقعیت این بود که به زعم رجوی، مقاومت دو بال داشت: بال سیاسی و بال نظامی. بال نظامی هم

۱. حکمت، مجموعه آثار، ج ۸: ص ۱۸۷.

۲. نشریه مجاهد، ش ۳۱۹: صص ۲ و ۳.

۳. همان: ص ۲.

۴. همان، ش ۳۱۸: ص ۳.

محدودیت کمی و کیفی - به عنوان ارتش آزادی‌بخش - داشت و هم در تنگنای معیارها و خط و ربط‌های دیپلماتیک و آنچه بین ایران و عراق می‌گذشت، فاقد اختیار بود و از این رو سرمایه‌گذاری اصلی رجوی و شورا و سازمان - که در واقع همه یکی است - روی حرکت‌های سیاسی انجام گرفت. سه ماه قبل از حرکت **مریم رجوی** به فرانسه. **رجوی** وی را «به نمایندگی از طرف اکثریت قاطع مردم ایران» به ریاست جمهوری منصوب کرده و نام مستعار و نمادین «مهر تابان» بر او نهاده بود.

افشاگری‌های وسیع نیروهای جدا شده از سازمان، در گوشه و کنار جهان، باعث شده بود که اندک اعتماد بعضی از محافل و دستگاه‌های سیاسی غرب نسبت به مجاهدین خلق نیز زایل شود؛ بر تروریستی بودن این تشکیلات تأکید کرده و حتی محافل حقوق بشری نیز روی اعمال و کارهایی که به سازمان نسبت داده می‌شد، به خصوص شکایات برخی از جدانشدگانی که در زندان‌های سازمان مورد ایداء و شکنجه قرار گرفته یا از همسر و فرزندانشان دور افتاده بودند، حساس شده بازرسی و پی‌گیری شکایات علیه سازمان و رجوی را در دستور کار قرار دهند. یکی از همکاران سابق شورای ملی مقاومت بر این باور است که مریم رجوی برای بازگرداندن وجهه از دست رفته سازمان بود که از عراق به اروپا رفت:

... آمده بود تا به مرمت روحیه آسیب‌پذیر هواداران اندک پردازد و برای گرفتن حمایت از محافل بورژوازی جهان، کنگره آمریکا و پارلمان‌های اروپایی، به تکاپویی جدی برخیزد.<sup>۱</sup>

یکی از اهداف دیگر، که به مثابه نقشی واسطه‌ای تلقی می‌شد، جذب ایرانیان مقیم خارج از طریق مانورهای تبلیغاتی و برنامه‌های فرهنگی - هنری بود. در کنار این برنامه‌ها، برای حذف رسانه‌های مخالف مجاهدین خلق، نظیر: رادیوهای فارسی زبان، کانال‌های ماهواره‌ای لوس آنجلسی، مطبوعاتی مثل «نیمروز» و... نیز باید تدابیری اندیشیده می‌شد.

در مجموع، این اقدامات به منظور رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده رجوی باید انجام می‌شد و به تحقق می‌پیوست:

(۱) برگزاری میهمانی‌های مجلل در پاریس و تمهید «زیارت» و دست‌بوسی «رئیس جمهور برگزیده»، در جهت بالا بردن مایه‌های عاطفی - هیجانی، احساسی هواداران. رجوی می‌خواست تمایلات عاطفی و شور غریزی اندک هواداران باقی مانده را از این طریق دامن زند تا هواداران تحت تأثیر فرم و مضمون ملاقات (یا زیارت) شبه مذهبی با **مریم رجوی** قرار گیرند. در صورت توفیق در

۱. نشریه پژوهاک آرا، فوریه ۱۹۹۷: ص ۱۰.

این امر، بار هیجانی این هواداران بالا می‌رفت و این افراد دیگر آماده بودند تا به عنوان وسایل جذب نیرو در اروپا و آمریکا پراکنده شوند.

(۲) مضمون جلساتی که نمایندگان رجوی در نقاط مختلف برگزار می‌کردند، بر این محور دور می‌زد که بخشی از پناهندگان سازمان و شخص رجوی شوند. از رجوی نقل می‌شد که گفته است: «با آوردن آن نیروها، بال سیاسی را معالجه (یا تکمیل) کنید؛ چرا که من آخرین دارایی خود - یعنی مریم - را برای شما فرستاده‌ام»<sup>۱</sup>

(۳) فعالیت‌های دیپلماتیک - که زمانی آن را «دیپلماسی انقلابی» نام داده بودند - باید تشدید می‌شد و مجدداً مانورهای تبلیغاتی درباره حمایت نمایندگان پارلمان‌های دنیا از شورا و سازمان را از سر می‌گرفتند.

(۴) به رغم آنکه در گذشته شنیدن صدای خوانندگان را - از هر جنس و طیف - «مبتذل» و «ممنوع» و «حرام» اعلام کرده بودند، می‌بایست در این مرحله جدید - در جهت جذب ایرانیان تبعیدی - برگزاری کنسرت برخی از خوانندگان در دستور کار قرار می‌گرفت. هدف چنین مانوری تلطیف چهره خشک و ایدئولوژیک سازمان و تألیف قلوب و افکار عمومی فرنگی‌ها بود تا به آنان بیاوراند که آن سازمان استالینیست و دگم که مبنای وجودی‌اش یک سانترالیسم فرقه‌ای بوده است، هنرپرور و فرهنگ دوست شده است.

(۵) حمله و تهاجم رسانه‌ای وسیع به دیگر شخصیت‌ها، سازمان‌ها، جمعیت‌ها و احزاب اپوزیسیون - با وسعتی فراتر از سال‌های گذشته - باید تشدید می‌یافت. «برای جذب یک میلیون از سه میلیون، سایر نیروهای سیاسی و شخصیت‌هایی که بنا به تعبیر رجوی «نیم سوز» شده بودند، باید به کلی می‌سوختند تا حریمی باقی نمی‌ماند. برای دستیابی به این هدف، باید بازار تهمت، افترا و دشنام را داغ‌تر می‌کردند و چنین وانمود می‌کردند که کسی جز ایشان (مجاهدین) در میان نیست و اگر هست، با رژیم است و اگر با رژیم درگیر است، مصلحتی است»<sup>۲</sup>

۱. همان، اقتباس از مقاله «شکستی دیگر، درسی دیگر»: ص ۹.

۲. همان: ص ۱۱.



## ○ رسوایی‌ها و ناکامی‌ها

تدارک پرهزینه سیاست‌های جدید رجوی، در همه مواردی که برشمردیم، بی‌نتیجه ماند و اغلب نتایج معکوس به بار آورد. در ذیل مروری بر این نتایج خواهد آمد و تحلیل برخی از ناکامی‌ها نیز - با رعایت ایجاز و اجمال - ارائه خواهد شد.

۱- با وجود برقراری ارتباط گسترده و تدارک وسیع، حضور مریم رجوی با عنوان «رئیس جمهور منتخب شورا»، نتوانست کلید گشایشی برای بن‌بست‌ها و بحران‌های پیاپی باشد. مدت زیادی از اقامت همسر رجوی در پاریس نگذشته بود که سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه به وی اخطار کرد که تا زمانی که به عنوان پناهنده در خاک آن کشور به سر می‌برد، حق اظهارنظرهای سیاسی و شرکت در مصاحبه‌ها را ندارد. ریشاردوک سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه، هنگام گفت و گوی روزانه خود با خبرنگاران رسانه‌های جمعی، اظهار داشت: «خانم رجوی مجبور است که در انطباق با موقعیت خود، به عنوان پناهنده، از برخی اظهارنظرها خودداری کند. ما این موضوع را در گذشته نیز به وی یادآوری کرده‌ایم.»<sup>۱</sup>

مدتی بعد، دولت آلمان رسماً از سخنرانی مریم رجوی در شهر دورتموند جلوگیری کرد. دولت آلمان در توضیح این ممنوعیت، «مصالح عالی کشور» را مطرح نمود. منابع رسمی آلمانی اعلام کردند: «از آنجا که خانم رجوی دارای گذرنامه پناهندگی فرانسوی است، ورودش به آلمان بلامانع است؛ ولی نمی‌تواند به عنوان رهبر سازمان مجاهدین، به ویژه در یک مقام رسمی - هر چند که خود این عنوان را به خودش داده باشد - در میتینگ سخنرانی کند؛ زیرا این اقدام، مخالف پروتکل‌های دیپلماتیک رایج است.»<sup>۲</sup>

شایعات شنیده شده از منابع نزدیک به مجاهدین خلق، گویای این مطلب بوده که سازمان حدود ۴۰ میلیون دلار برای برگزاری این مراسم خرج کرده بود و با آنکه اعلام شده بود که قریب ۲۰ هزار نفر شرکت خواهند کرد، حدود ۷ - ۸ هزار نفر بیشتر حضور نیافتند. این جمعیت مجبور شدند تا سخنرانی مریم رجوی را از طریق یک کانال ماهواره‌ای مشاهده و استماع کنند.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، بنا به گزارش خبرگزاری‌های فرانسه و رویتر، اهالی شهرک «اور - سور - اوآز» در حومه

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بولتن خبری، اکتبر ۱۹۹۴/مهرماه ۱۳۷۳.

۲. همان، ژوئن ۱۹۹۵/خرداد ۱۳۷۴.

۳. همان.

پاریس - که منزل **صالح رجوی** برادر **مسعود رجوی** در آنجا واقع است و مریم رجوی نیز در مدت اقامتش در پاریس در آنجا ساکن بوده است - در روز ۱۷ آوریل ۲۹/۱۹۹۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ از دولت فرانسه درخواست کردند که مقر مجاهدین را از این شهرک به جای دیگری منتقل کند. شورای منطقه‌ای شهر «وال دو آز» طی قطعنامه‌ای از وزیر کشور فرانسه «شارل پاسکوا»، درخواست کرد که هر چه زودتر به وضعیت نامن شهرک مزبور خاتمه داده، آرامشی را که حق مسلم ساکنان آن است، بدان بازگرداند.

یکی از ساکنان محل در گفت و گویی با رادیو «فرانس انفو» اظهار داشت: «من برای این مالیات نمی‌دهم که در معرض مخاطره قرار گیرم. بگذارید آنها به جای دیگر بروند. من میل دارم که در شهرک محل اقامتم، آزاد زندگی کنم... این طور که از آنها (مجاهدین) مثل ساکنان یک دژ محافظت می‌کنند، به این معنی است که خطر بزرگی در اطراف آنها وجود دارد.» به گفته همسایگان، گاهی اوقات اوراق هویت آنها ده بار در روز توسط مأموران بازدید شده است. به گفته یکی از ساکنان، «در غالب مواقع، نیروهای امنیتی مهمانان ما را می‌رانند. آنها از این که خودشان و اتومبیل‌هایشان مدام تفتیش شوند، به ستوه آمده‌اند و به همین جهت در انزوای کامل قرار گرفته‌ایم.»<sup>۱</sup>

۲- اغلب کسانی که از طریق انجمن‌ها و کانون‌های واسطه، سازماندهی شده به ملاقات **مریم رجوی** رفته بودند، با پی بردن به تناقضات مکرر در ادعاها و تکرار مستمر گزارف‌های پیشین درباره شکست قریب‌الوقوع جمهوری اسلامی ایران، خود را از این مجموعه کنار کشیدند و پیش‌بینی **رجوی** و نزدیکانش دایر بر جذب صدها هزار ایرانی را به شکستی سخت بدل نمودند. در این میان، نکته عبرت‌آموز این بود: **رجوی** که حتی در جلب و جذب جدی‌تر هواداران سمپاتیک خود نیز شکست خورده بود، چگونه می‌توانست انتظار داشته باشد که حمایت کسان دیگری را که این فرقه را یا اصلاً نمی‌شناختند و یا تصویری ناخوشایند و منفی از آن داشتند، جلب نماید؟!

پس از این که در اکتبر ۱۹۹۴ وزارت امور خارجه آمریکا در گزارشی مفصل به درخواست کنگره، ضمن بیان تاریخچه سازمان مجاهدین خلق ایران، بر تروریست بودن این جریان و وابستگی آن به رژیم **صدام حسین** تأکید نمود، سازمان با مشکلات متعددی مواجه شد. مشابه چنین گزارش‌هایی در کشورهای اروپایی نیز انتشار یافت و سازمان نیز - طبق معمول - در تکذیب مطالب آنها تلاش فراوانی کرد.

۱. همان، آوریل ۱۹۹۵. نیز تلکس «ایران خبر» از واشنگتن، ۲۱ آوریل ۱۹۹۵.

مهمترین تلاش، چنانکه پیش‌تر نیز آمده است، انتشار کتاب قطوری با عنوان «دموکراسی خیانت شده» بود که همزمان به دو زبان انگلیسی و فارسی، ظاهراً توسط شورای ملی مقاومت تدوین و منتشر شد. برکنار از این رویه‌ها و تکذیب‌ها، رسوایی دیگری نیز پدید آمد که بسیاری را نسبت به ماهیت خشونت‌بار سازمان و شورای رجوی مطمئن نمود. گروهی از ایرانیان که نامشان در پایان گزارش وزارت امور خارجه آمریکا آمده بود، از سوی اعضای سازمان مورد بازخواست و تهدید قرار گرفتند. سازمان مجاهدین خلق در پی آن گزارش گفته است که ایرانی‌های مذکور، آنها را به دولت ایران فروخته‌اند. نشریه «ایران پرس دایجست» که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود، در این باره نوشت:

سازمان مجاهدین، به دنبال انتشار گزارش وزارت امور خارجه آمریکا علیه سازمان، آن دسته از ایرانیان مقیم آمریکا را که نظراتشان در تنظیم گزارش نقش داشته است، با تلفن تهدید کرده است... برخی از ایرانیان یاد شده، با توجه به حجم زیاد تهدیدات تلفنی، خواهان کنترل و استماع مستقیم تلفن خود توسط اف. بی. آی شده‌اند.<sup>۱</sup>

#### □ در فضای انتظارات و رؤیاها

به رغم آنکه سفرهای مریم رجوی به اروپا - و عمدتاً مانورهای تبلیغاتی وی در فرانسه - نتوانست دستاورد مثبتی برای فرقه رجوی داشته باشد، باز رجوی چشم‌اندازی را در رؤیاهای خویش تصور می‌کرد که تنها پتانسیل و امید مستور و نهانی آن، نسل جدید جوان ایران بود. اما نسل جوان ایران نه از «فاز سیاسی» مسعود رجوی خبر داشت و نه از «فاز نظامی» او سر در می‌آورد. کلمه «منافق» و شعار «مرگ بر منافقین»، برای اکثریت قاطع آنان تنها یادآور ماهیت یک جریان سیاسی - نظامی و تروریستی بود و بس.

به دنبال شکست رویکردهای تبلیغاتی و وارثه‌ای مجاهدین خلق برای جا انداختن یک رئیس جمهور زن، مریم رجوی به عراق بازگشت و سازمان مجاهدین خلق این بازگشت را نزدیکتر شدن «سیمرغ رهایی» به مرزهای ایران وانمود کرد. مریم رجوی در مصاحبه‌ای، هنگام عزیمت از فرانسه، تأکید نمود که عزیمتش به عراق نیز بنا به خواسته «شورای ملی مقاومت» و مسئول شورا و شورای رهبری مجاهدین خلق، در چارچوب مأموریت به خاطر آزادی، و حاکمیت ملی و مردمی و در راستای

۱. نشریه نیمروز، ش ۳۱۰، ۲۵ فروردین ۱۳۷۴؛ به نقل از نشریه نگاه، ش ۵، اکتبر ۱۹۹۶: ص ۱۰۶.

«آزادی خلق و میهن» صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

به دنبال بازگشت مریم رجوی به عراق، طرح‌ریزی سلسله عملیات نوینی توسط رجوی عنوان گردید و نشریه وابسته به سازمان این تیترا را به چاپ رساند: «مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادی‌بخش ملی، ورود مقاومت به مرحله جدید را اعلام کرد».<sup>۲</sup>

«رادیو مجاهد» هم برای کمک به این اوهام هر روز اخباری از آمادگی و استعداد نیروهای ارتش سازمان را در بوق و کرنا می‌کرد.

---

۱. نشریه مجاهد، ش ۳۱۹.

۲. نشریه ایران زمین، ش ۱۳۲، ۲۶ آذر ۷۵.